



تحلیل آثار جلال آل احمد با رویکرد فرآینش‌های نظریه نقش‌گرای هلیدی

الهام مقدم

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه زاهدان

چکیده

این پژوهش تبیین و تحلیل چگونگی کارآمد بودن نظریه نقش‌گرای هلیدی در بررسی داستان مدیر مدرسه را دنبال می‌کند. دستور نقش‌گرا روش مناسبی برای تحلیل آثار ادبی از منظر اندیشگانی، بینافردی و متنی می‌باشد چرا که تحقق سه لایه سبکی به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که هر لایه در ساخت خود بسامدهایی را به همراه دارد. این پژوهش با استناد به نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا و رهیافت گرایش دستور نظام‌مند هلیدی، به تحلیل و بررسی سبک داستان «مدیر مدرسه» پرداخته است. سؤال پژوهش حاضر این است که نویسنده داستان "مدیر مدرسه" از کدام فرآینش‌های هلیدی بیشتر استفاده کرده است؟ فرضیه پژوهشگران این است که فرآینش اندیشگانی یا تجربی در این داستان پربسامدتر بوده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد در این داستان کاربرد فرآیند مادی بیش از سایر فرایندهاست که در ساخت اندیشگانی، بسامد بالاتر فرایندهای رابطه‌ای و مادی نشان‌دهنده آن است که نویسنده آنچه در ذهن داشته به وسیله عوامل شناسا، ویژگی و کنش‌پذیر به خواننده القا کرده و سپس با آوردن فرایندهای مادی نوعی تهییج در مخاطب بوجود آورده است.

کلیدواژه‌ها: دستور نقش‌گرای هلیدی، مدیر مدرسه، جلال آل احمد.